

An Overlap of Identity-building Components on the Religious Identity-giving of Indonesian Social Activists

**Mohammad Sotudeh Arani¹ Sayyid Mirsaleh Hosseini Jebeli²
Sayyid Mohammad Hassan Khademi³**

Received: 30/12/2019

Accepted: 15/05/2020

Abstract

Indeed, which identity components does the religious identity-giving of Indonesian Muslims follow, as one of the largest societies in the Islamic world? Is it supra national or sub-national, or is it derived from the identity of religious culture, and where has the identity-building Islam come from? These questions led us to analyze them in a historical-descriptive way in order to answer them. Since the facts of the present, the past, and their relation to the future are explored in this paper, the most appropriate method for this study is the historical-descriptive method. The findings suggest that in Indonesia, a moderate definition of Islam, in conflict with other identity-building components, has been able to approach a native model of religious perceptions appropriate to Malay cultural thoughts. In this new approach, Islam has tried to be active using all Islamic resources and to establish the religious identity of Indonesian Muslims.

Keywords

Identity-building components, Religious Identity, Social Activists, Indonesia.

1. Associate professor of political sciences at Baqir al-Olum University, Qom, Iran. sotudeh@bou.ac.ir

2. Assistant professor of the Department for social studies at Al-Mustafa International University, Qom, Iran. hossini_mir@miu.ac.ir

3. PhD student in political sciences at Baqir al-Olum University, Qom, Iran. (Author in charge). seyyed24@hotmail.com

همپوشانی مولفه‌های هویت‌ساز بر هویت‌بخشی دینی کنشگران اجتماعی اندونزی

محمد ستوده آرانی^۱ سیدمیر صالح حسینی جبلی^۲ سیدمحمدحسن خادمی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۰۹

چکیده

به‌راستی هویت‌بخشی دینی مسلمانان اندونزی که از بزرگ‌ترین جوامع جهان اسلام است، از کدام مؤلفه‌های هویتی پیروی می‌کند؟ آیا فراملی است یا فروملی یا از هویت فرهنگ دینی اخذ شده است و اسلام هویت‌ساز از کدام قرائت بیرون آمده است؟ این پرسش‌ها سبب شد در راستای پاسخ به آنها با روش تاریخی - توصیفی به تحلیل بپردازیم. از آنجایی که در این نوشتار حقایق حال، گذشته و ارتباط آنان با آینده مورد پژوهش قرار می‌گیرند، مناسب‌ترین روش برای این پژوهش روش تاریخی - توصیفی است. یافته‌ها نشان می‌دهند که در اندونزی، قرائت اعتدالی از اسلام، در کشمکش با دیگر مؤلفه‌های هویت‌ساز، توانسته است به یک مدل بومی از برداشت‌های دینی و متناسب با اندیشه‌های فرهنگی مالایی تبار نزدیک شود. اسلام در این نگرش جدید تلاش کرده تا با استفاده از تمامی منابع اسلامی فعال گردد و هویت دینی مسلمانان اندونزی را تثبیت کند.

کلیدواژه‌ها

مؤلفه‌های هویت‌ساز، هویت دینی، کنشگران اجتماعی، اندونزی.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم 7، قم، ایران. sotudeh@bou.ac.ir
۲. استادیار گروه مطالعات اجتماعی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. hossini_mir@miu.ac.ir
۳. دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم 7، قم، ایران. (نویسنده مسئول) seyyed24@hotmail.com

ستوده آرانی، محمد؛ حسینی جبلی، سیدمیر صالح؛ خادمی، سیدمیر حسن. (۱۳۹۹). همپوشانی مولفه‌های هویت‌ساز بر هویت‌بخشی دینی کنشگران اجتماعی اندونزی، فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، ۷(۲۸)، صص ۶۴-۹۴.

Doi: 10.22081/jiss.2020.68814

مقدمه

کشور اندونزی بیشترین درصد جمعیتی مسلمانان جهان را با حدود سیصد میلیون نفر، در خود جای داده است (سلیمی و ربانی، ۱۳۹۲، ص ۱۲)؛ مسلمانانی که اسلام را نه در تاریخ، بلکه از ماورای مرزهای خود دریافت کرده و هویت خود را براساس آن تعریف کرده‌اند. هویت دینی در اندونزی تا چند دهه گذشته هم‌وزن یا پایین‌تر از دیگر مؤلفه‌های هویتی همچون ملیت، زبان و قومیت در این کشور و عمدتاً مشتمل بر قرائتی میانه‌رو از اسلام بود؛ درحالی‌که اکنون با فرایند جهانی‌شدن و افزایش ارتباطات و اطلاعات جهانی، مرزهای فرهنگ ملی، در این کشور از هر زمان دیگری قابل نفوذتر شده است و مسلمانان این کشور، با افزایش آگاهی از اسلام و جایگاه دین در ساخت هویت، به این نتیجه رسیده‌اند که قبل از آنکه اندونزیایی باشند، مسلمان‌اند؛ بنابراین در حال پرسشگری مجدد از هویت خود و ساخت هویت جدید بر اساس تقدم هویت دینی بر دیگر مؤلفه‌های هویت‌ساز هستند. برای بررسی هویت مسلمانان در اندونزی، لازم است نگاهی به تقسیم‌بندی‌های مختلف هویتی در این کشور بیاندازیم.

هویت‌های فراملی: این گروه شامل هویت‌های قومی و نژادی می‌شود و مواردی

همچون قومیت جاوه‌ی، سوندا و باتاک را شامل می‌شود (Na'im, 2010, p. 9).

هویت‌های فراملی: این گروه شامل قومیت‌های فراملی از جمله: مالای، چینی،

هندی، عرب، ژاپنی و کره‌ای می‌شود (Na'im, 2010, p. 9).

هویت ملی: هویت ملی اندونزی تحت چارچوب پانچاسیلا و اندونزی واحد شکل

می‌گیرد (Anjarwati, 2018, p. 99).

هویت دینی: هویتی که مؤلفه اصلی آن دین است و دیگر مؤلفه‌های هویتی همچون

قومیت، زبان و فرهنگ را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. مصداق بارز این هویت مذهبی در

اندونزی، هویت اسلامی است که در برخی از گروه‌های اندونزی با هویت ملی

همپوشانی پیدا کرده است و در برخی از گروه‌های هویتی نوظهور با هویت ملی مبتنی

بر اندونزی واحد، مقابله می‌کند (Anjarwati, 2018, p.100).

این پژوهش در پی آن است که با طرح و تحلیل مؤلفه‌های هویتی جامعه اندونزی، به شرایط کنونی هویت دینی کنشگران اجتماعی اندونزی بپردازد و به این پرسش اصلی پاسخ دهد که مؤلفه‌های هویت‌ساز کنشگران اجتماعی اندونزی چیستند و چه تأثیری بر هویت‌بخشی دینی در این کشور دارند.

نتایج نشان می‌دهد اگر چالش‌های هویتی، بر اساس مبانی نظری اسلام و همگرا با جمهوری اسلامی ایران هدایت و مهار شوند، شاهد شکل‌گیری هویت دینی و رفتارهای همگرا با جمهوری اسلامی ایران در اندونزی خواهیم بود.

۱. پیشینه سیاسی و زمینه فکری ساخت هویت دینی

بیش از چند دهه از استقلال سیاسی، فرهنگی و فکری کشور اندونزی می‌گذرد. اسلام در اندونزی با مسالمت گسترش یافته است و در این راستا از عناصر محلی در فرایند اسلامی‌سازی این کشور استفاده شده است. در نتیجه اسلام در چنین سطحی توانسته مورد قبول اکثر جامعه اندونزی باشد. اسلام بیان‌شده در اینجا چهره‌ای متمایز از اسلام به معنای واقعی کلمه نشان می‌دهد؛ چراکه یک برداشت سطحی از اسلام توانست در کنار فرهنگ محلی مردم بومی اندونزی، حتی فرهنگی که با اسلام ناسازگار است، جمع شود و همزیستی کند (Hermansyah, 2014, p. 55).

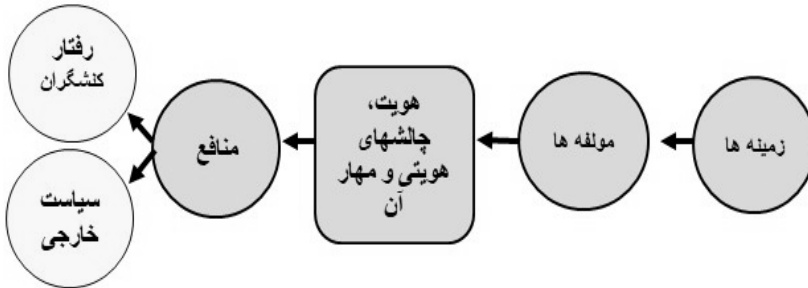
مسلمانان این کشور فاقد پیشینه سیاسی و زمینه فکری کافی برای ساخت هویت دینی اصیل و منطبق بر منافع خود هستند؛ بنابراین بیشتر توجه آنان به بیرون و خارج از کشور است. ظهور بحران‌های هویت و همچنین تنش‌های مذهبی در داخل کشورهای اسلامی، نقش مهمی در ظهور جنبش‌های اسلامی و تغییر هویت دینی در جوامع مسلمان ایفا می‌کند. عوامل مؤثر در شکل‌گیری این تغییر را می‌توان به دو گروه طبقه‌بندی کرد: عوامل ذهنی و عوامل عینی؛ بر این اساس شکل‌گیری هویت‌های جدید اسلامی از یک طرف تحت تأثیر عوامل عینی مانند جهانی‌شدن، استعمار غربی، افول فکری دیکتاتوری‌ها و سکولاریسم شتاب‌زده در جوامع اسلامی است و از طرف

دیگر، تحت تأثیر عوامل ذهنی و فکری مانند انتقال اطلاعات و گسترش آموزه‌ها و دستورهای شرعی در مورد مبارزه با ظلم، شرک، کفر و کوشش برای تشکیل جامعه‌ای بر مبنای اندیشه‌ها و ارزش‌های دینی است؛ پس در تلاطم ساخت هویت‌های جدید، اندیشه‌های متفکران معاصر اسلامی برای بیشتر مسلمانان این کشور بر متفکران غربی ترجیح دارد.

مبانی نظری و اندیشه‌های دینی-سیاسی در اندونزی معاصر، ممکن است از ال‌زهر مصر، عربستان سعودی یا جمهوری اسلامی ایران وارد گردد و منشأ این زمینه‌های فکری، خروجی‌های متفاوتی را در صحنه دینی و سیاسی این کشور در پی خواهد داشت؛ اما نکته قابل توجه در جریان هویت‌سازی اخیر در اندونزی ظهور هویت‌های شیعی همچون جماعت ایجابی است که تحت تأثیر اندیشه‌های متفکران شیعه، خصوصاً شهید مطهری بوده است. این جماعت علاوه بر فعالیت فرهنگی و تبلیغی در عرصه سیاست نیز وارد شده‌اند و حتی پیروانی در بین اعضای کابینه و پارلمان اندونزی دارند. از طرفی یکی از پیامدهای جهانی شدن در اندونزی امکان ترجمه، چاپ و نشر کتاب و ارسال آن به دورترین مناطق است که بخش قابل توجهی از آنها آثار شهید مطهری، امام خمینی، شهید صدر و دیگر اندیشمندان شیعه است (Zulkifli, 2013, p. 170).

اینجا است که پرداختن به مسائل زمینه‌ای و مؤلفه‌های هویت‌سازی این کشور اهمیت پیدا می‌کند؛ چراکه ارائه مدل اسلامی و راهکار مهار چالش‌های هویتی از دیدگاه اندیشمندان اسلامی و اسلام شیعی می‌تواند در نهایت به پیدایش هویت‌های همگرا با جمهوری اسلامی ایران در این کشور بینجامد.

به‌طور کلی، رفتار مسلمانان یا دولت اندونزی به‌عنوان کنشگران اجتماعی این عرصه در ارتباط با زمینه‌ها، ذهنیت‌ها و نحوه شکل‌گیری هویت اسلامی آنان است که می‌تواند در قالب‌های متفاوتی ظاهر شود. نمودار زیر تأثیر زمینه‌ها و مؤلفه‌ها را در شکل‌گیری نوع هویت، چالش‌های هویتی و مهار آن و سرانجام رفتار سیاسی کنشگران نشان می‌دهد.



با توجه به نمودار بالا رفتار کنشگران اجتماعی اندونزی به مؤلفه‌های هویت‌ساز و چالش هویتی مربوط می‌شود. چالش هویتی عواملی همچون ارزش‌های قومی، نژادی، زبانی و اصلاحات مذهبی را شامل می‌شود. در چنین وضعیتی است که مردم به جای وفاداری به دولت ملی و احساس تعلق به مجموعه‌ای یکپارچه به نام ملت، در دایره تعلقات قومی و نژادی و مذهبی قرار می‌گیرند.

تا زمانی که انسانی از سنت خود فاصله نگرفته باشد، چالش‌های هویت پیش نخواهد آمد؛ ولی آنجایی که انسانی به هر دلیلی از این سنت بیرون آید، بحران هویت و مسئله خودآگاهی به میان می‌آید. در کشور اندونزی، عواملی همچون تنوع مذهبی (اسلام- مسیحیت- بودیسم)، تنوع زبانی، تنوع قومیتی، اصلاحات مذهبی و جهانی‌شدن، هویت سنتی جمعیت عمدتاً مسلمان این کشور را با چالش مواجه ساخته است و این تحول تا زمانی که از طریق جایگزینی یک هویت جدید حل و فصل نگردد، باعث فزونی چالش هویتی خواهد شد.

از سوی دیگر در سطح جامعه و میدانی نیز چالش‌های هویتی در اندونزی و به دنبال آن شکل‌گیری هویت‌های جدید در میان مسلمانان این کشور عامل اصلی تنش‌ها و ناآرامی‌های چند دهه گذشته در اندونزی بوده است. گروهی از مسلمانان دیگر هویت خود را گره خورده به پنج اصل پانچاسیلا نمی‌دانند؛ پس بین خود و دیگر شهروندان غیرت‌سازی جدیدی به‌وجود آورده‌اند، تا حدی که حتی در بعضی از ایالات‌ها،

گروه‌های نوظهور اسلام‌گرا به یارگیری و لشکرکشی علیه دیگر شهروندان این کشور (برای مثال علیه اقلیت شیعه ایالات سامپانگ^۱) پرداخته‌اند (Bukhari, 2013, p. 9).

این در حالی است که اصل سوم پانچاسیلا و اصل ۲۹ قانون اساسی این کشور مدعی اندونزی واحد و متحد برای تمام اقوام است (The Constitution of the Republic of Indonesia, 1945, Article 29)؛ اما در هنگام شکل‌گیری هویت جدید چه چیزی باعث می‌شود یک نظریه یا مدل بر دیگری برتری داده شود؟ مهمترین معیارهایی که اغلب، دانشمندان علوم اجتماعی ذکر کرده‌اند در دسترس بودن، قابلیت پذیرش و ارزش کاربردی یک نظریه و قوام منطقی آن است. مبانی نظری و سیاسی اسلام به این جهت، هم قابلیت پذیرش و اعتبار دارد و هم در دسترس است و سابقه طولانی حضور در عرصه‌های فکری و سیاسی جوامع اسلامی بیش از گفتمان‌های ناسیونالیسم و لیبرالیسم غربی استحقاق و مشروعیت لازم برای غلبه و هویت‌سازی در این کشور را دارد.

۲. مناسبات نظری و مؤلفه‌های هویتی کنشگران اجتماعی

هویت و استقلال یک جامعه؛ ساختارهای اجتماعی و در فرایند تعامل میان کنشگران اجتماعی ساخته می‌شوند. این انگاره‌ها و افکار مشترک هستند که در درجه اول تشکیل‌دهنده ساختار تعاملات انسانی‌اند. علاوه بر این، هویت و گرایش‌های کارگزاران بیش از آنکه به وسیله عوامل مادی ساخته شوند، به وسیله انگاره‌ها و افکارشان ساخته می‌شوند (Wendt, 1999, p. 1). در مکتب سازه‌انگاری هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در فهم رفتار کنشگران دارند و ساختارهای هنجاری و فکری به اندازه ساختارهای مادی دارای اهمیت‌اند (پوراحمدی، ۱۳۸۹، صص ۳۱۰-۳۱۱).

بنابراین آنچه گفته شد، مؤلفه‌های هویت‌ساز کنشگران اجتماعی اندونزی براساس رهیافت سازه‌انگاری بررسی و شناخته می‌شوند. این رویکرد مبتنی بر شناخت بافت قومیتی مسلمانان اندونزی، بافت مذهبی مردم اندونزی و هویت ملی در اندونزی است

1. Sampang

که مجموعاً انگاره‌ها و ذهنیت‌های کنشگران اجتماعی اندونزی را تشکیل می‌دهند. این انگاره‌ها و ذهنیت‌ها هستند که چگونگی تعریف از «خود» را تعیین می‌کنند و هویت و رفتارها را به وجود می‌آورند.

مؤلفه‌های هویتی کنشگران اجتماعی اندونزی علل و عناصری هستند که بدون در نظر گرفتن آنان نمی‌توانیم هویت کنشگران اجتماعی اندونزی را تجزیه و تحلیل کنیم. مؤلفه‌ها مجموعه‌ای از اجزا و ویژگی‌هایی ذاتی و عرضی هر امر هستند که برای شناخت آن تحلیل و بررسی می‌شوند. بخشی از این مؤلفه‌ها مجموعه‌ای از اجزا و ویژگی‌هایی ذاتی و عرضی هویت‌ساز در اندونزی هستند که برای شناخت آن تحلیل و بررسی می‌شوند و بخش دیگری از این مؤلفه‌ها ویژگی‌هایی هستند که هویت‌ساز نیستند، ولی معلول و خروجی هویت‌اند؛ پس برای دستیابی به شناخت صحیح از هویت در اندونزی مطالعه قرار می‌شوند.

بنابراین آنچه گذشت، لازم است عوامل هویت‌ساز و همچنین دخیل در شناخت هویت کنشگران اجتماعی اندونزی با بهره‌گیری از چارچوب سازه‌انگاری تجزیه و تحلیل شوند. سازه‌انگاری از طریق رهیافت سیاست هویت تلاش می‌کند چگونگی نقش و تأثیر اجتماعات بین‌الذهانی مانند ملی‌گرایی، قومیت، مذهب، فرهنگ، جنسیت و نژاد را در سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی توضیح دهد. قوام‌بخشی و تأسیس متقابل ساختار و کارگزار را باید از اصول سازه‌انگاری دانست؛ یعنی هریک از این دو به گونه‌ای معلول دیگری است و به‌طور مشترک تعیین می‌شوند و تکوین می‌یابند؛ بنابراین ساختارهای هنجاری در تعیین و تعریف هویت و منافع جوامع نقش‌سازنده و تکوینی دارند؛ ولی از سوی دیگر رویه‌ها و کردار کشورها نیز نقش تعیین‌کننده در حفظ، استمرار و تغییر این ساختارها دارند (باقری دولت‌آبادی، ۱۳۹۳، ص ۲۲).

مطالعه درباره‌ی هویت در اندونزی مستلزم شناخت آن بر مبنای ویژگی‌هایی همچون جغرافیا، سیاست، بافت قومیتی، زبان، مذهب و فرهنگ و دیگر امور است که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل‌دهی به هویت یا تأثیرپذیری از آن نقش دارند. این ویژگی‌ها اگر هویت‌ساز باشند به‌عنوان ورودی و اگر معلول هویت باشند، به‌عنوان

خروجی شناخته می‌شوند. مطالعه عوامل ورودی نوعی مطالعه از بالا به پایین برای شناخت هویت و بررسی عوامل خروجی نوعی مطالعه از پایین به بالا برای رسیدن به هویت کنشگران اجتماعی اندونزی است؛ برای مثال شناخت قومیت‌های اندونزی به عنوان عامل هویت‌ساز یک مطالعه بالا به پایین بر روی ورودی‌های مقوله هویت است و شناخت حکومت و سیاست در اندونزی به عنوان رفتار کنشگران متأثر از ساختار مطالعه ای از پایین به بالا بر روی خروجی‌های مقوله هویت است. نمودار زیر معرف جایگاه ویژگی‌های کشورهای اندونزی در مطالعه مقوله هویت در این کشور است:



۳. جغرافیا و مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی اندونزی

پراکنده‌گی جغرافیایی جوامع اندونزی به دلیل تفکیک شدن جمعیت این کشور در جزایر

مختلف و جدا از هم، یکی از عوامل بروز هویت‌های مختلف در این کشور بوده است. در قرون گذشته، با توجه به نبود راه خشکی بین این جزایر و ارتباطات حداقلی، جوامع و اقوام این کشور از هم دور افتاده‌اند و باعث پیدایش هویت‌های متفاوت در این مجمع‌الجزایر شده است. این تفاوت هویتی، در قالب مذهب، زبان و فرهنگ نشان داده شده است؛ البته در دهه‌های گذشته، به واسطه برقراری ارتباط بین این جزایر، شکاف هویتی کمتر شده و در بسیاری از مناطق از بین رفته است.

مجمع‌الجزایر اندونزی متشکل از چندین هزار جزیره کوچک و بزرگ با وسعت تقریبی ۱۹۵۷۵۶۸ کیلومتر در جنوب شرقی آسیا واقع شده است. این کشور در تلاقی دو اقیانوس هند و آرام واقع شده و سواحل شمالی آن، روبه‌روی تنگه مالاکا و دریای چین جنوبی است (حسینی جلی، ۱۳۸۸، ص ۱۰).

اندونزی بین اقیانوس آرام و اقیانوس هند و بین آسیا و استرالیا واقع شده و به همین دلیل، در طول تاریخ مورد توجه قدرت‌های بزرگ قرار گرفته است. منابع طبیعی سرشار آن مانند نفت، قلع، گاز طبیعی، نیکل، چوب، زغال سنگ و مس ارزش استراتژیک این کشور را بیشتر می‌کند. اهمیت ژئوپلیتیکی دیگر اندونزی کنترل آبراه‌های کشور و گشت‌زنی در حوزه دریایی است (Laksmāna, 2011, p. 97).

یکی از مهم‌ترین خصوصیات جغرافیایی و ژئوپلیتیکی اندونزی وسعت دامنه دریایی است. منظور از وسعت دامنه دریایی، اشتغال این کشور بر حدود چهارده هزار جزیره است که تقریباً باعث شده دریا در تمام سرزمین اندونزی قابل دسترس باشد (Laksmāna, 2011, p. 98).

جغرافیا و مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی کشور اندونزی از عوامل هویت‌سازی هستند که در مطالعه هویت جوامع اندونزی از عوامل ورودی شناخته می‌شوند؛ چراکه شرایط جغرافیایی و پراکنده‌گی سرزمینی در بین جزیره‌های این کشور و نبود ارتباط بین این مناطق یا سختی ارتباط در قرون گذشته، یکی از عوامل شکل‌دهی به هویت‌های متفاوت در این کشور بوده است.

۴. نقش سوکارنو و سوهارتو در هویت بخشی اندونزی

سوکارنو^۱ اولین رئیس جمهوری اندونزی بعد از استقلال این کشور است که از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۷ میلادی این سمت را در اختیار داشت. او یک سیستم ریاست جمهوری تأسیس کرد که به عقیده وی، اجرای اصول دموکراسی ارشادی^۲ را آسان تر می کند. سوکارنو در واقع یک جامعه سوسیالیستی مطابق با هویت اندونزیایی بنا نهاد (Darmaputera, 1988, p. 159).

وی دموکراسی و نظام پارلمانی غربی را تأیید و آن را به عنوان هدف طبیعی تلاش اندونزی برای استقلال ذکر می کرد. او معتقد بود هیچ کس حق ندارد به نام دین و مذهب حکومت تشکیل دهد و خود را بر مردم تحمیل کند؛ ولی اشکالی نمی بیند که کسی با باورهای دینی از سوی مردم انتخاب شود و البته اگر مسلمانان بتوانند اکثریتی را به مجلس بفرستند، طبیعی است که دیدگاهها و آرمانهای دینی آنان بر وضع قوانین اثر خواهد گذاشت و این نیز با دموکراسی و اسلام تطبیق خواهد کرد (حسینی جلی، ۱۳۹۰، صص ۲۰۶-۲۰۴).

این مسئله همان تأثیر متقابل خروجی های هویت بر عوامل هویت ساز است؛ یعنی مذهب که خود یک عامل شکل دهنده به هویت در اندونزی است، در عمل کنشگران سیاسی و سیاست های حکومت (که خود خروجی و معلول هویت هستند) تأثیر گذار بوده و در عین حال همین سیاست ها می توانند بر نوع مذهب و چگونگی گسترش آن در این کشور تأثیر گذار باشند.

دیدگاه های سوکارنو با هویت مسلمانان اندونزی انطباق کامل نداشت و سیاست های وی خروجی هویت اکثریت مسلمانان این کشور نبود. علاوه بر این حمایت وی از کمونیسم باعث واکنش هایی بین مسلمانان شد و عده ای از گروه های اسلامی را در مقابل وی قرار داد و به یک چالش تبدیل شد (حسینی جلی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۵).

1. Sukarno.

2. Guided democracy.

پس از افول ناسیونالیسم غیرمذهبی و دموکراسی منهای مذهب سوکارنو در اندونزی، سوهارتو با ائتلاف با افسران ارتش اندونزی و سازمان‌های مذهبی اسلامی و غیراسلامی و پشتیبانی طبقه متوسط قدرت را در دست گرفت. وی سه دهه حکومت کرد و شش بار به اتفاق آرا به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. او به‌عنوان پدر توسعه اندونزی شناخته می‌شود. رویکرد غیرمذهبی وی و سرکوب جنبش‌های اسلام‌گرا در دوران حکومتش هویت اکثریت مسلمان این کشور را به چالش کشید. بحران اقتصادی جنوب شرق آسیا نیز به این چالش‌ها دامن زد و تنش‌های اجتماعی و ناآرامی‌ها افزایش یافته و در شورش‌های خشونت‌آمیز در مقیاس بزرگ خود را ظاهر کرد. سرانجام در ۲۱ مه ۱۹۹۸، سوهارتو مجبور به استعفا شد (Eklöf, 1999, p. viii).

این تغییرات در فضای سیاسی، به چالش‌های هویتی هم در این کشور دامن زد؛ چراکه با گسترده‌شدن فعالیت گروه‌های مذهبی و اسلام‌گرا، مسلمانان این کشور در صدد بازتعریف هویت دینی خود و حتی اعمال نفوذ دین در سیاست و حکومت شدند. به‌طور کلی تاریخ سیاسی اندونزی را می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد: دموکراسی مشروطه (۱۹۴۹-۱۹۵۸)، دوران دموکراسی ارشادی (۱۹۵۹-۱۹۶۵)، دوران نظم جدید بر مبنای پانچاسیلا (۱۹۶۶-۱۹۹۸) و دوران اصلاحات پس از سقوط سوهارتو (از ۱۹۹۸ به بعد) (Fuad, 2014, p. 477).

در مجموع باید گفت حکومت و سیاست یکی از نهادهایی است که به رفتار اجتماعی کنشگران شکل می‌دهد و به آنان هویت می‌بخشد. در واقع هویت براساس نظریه سازه‌نگاری به منافع ملت‌ها قوام می‌بخشد و نوع رفتار کنشگران را تعیین می‌کند؛ پس نظام سیاسی در اندونزی و نوع حکومت معلول و خروجی هویت مردم این کشور است. در یک تحلیل کوتاه می‌توان نتیجه گرفت تغییرات سیاسی و اقتصادی چند دهه گذشته و خصوصاً در دوران پس‌اسوهارتو و خروج از رکود، تأثیری بسزا در بازتعریف مؤلفه‌های هویتی کنشگران اجتماعی این کشور داشته است که مهم‌ترین آن تغییر هویت وابسته و منفعل مردم این کشور و تبدیل آن به هویت فعال و مستقل است.

۵. فرهنگ اسلامی و تأثیر آن در هویت‌بخشی اندونزی

سازه‌انگاری مدعی است فرهنگ نقش مهمی در روابط بین‌الملل دارد. سازه‌انگاران یکی از دلایل ناکامی رئالیست‌ها و لیبرال‌ها را در تجزیه و تحلیل درست مسائل بین‌المللی، در توجه نکردن به بخش فرهنگی می‌دانند. بر این اساس گفته می‌شود تأکید بیش از حد خردگرایی بر ابعاد عینی روابط بین‌الملل و نادیده گرفتن ابعاد ذهنی که فرهنگ در قلب آن قرار دارد، باعث بروز مشکلات فراوانی در عرصه روابط بین‌الملل در سطح نظری و عملی شده است. از طرف دیگر، سازه‌انگاران به نقد دیدگاه‌های پست‌مدرن می‌پردازند و تلاش آنان برای کاهش همه چیز به مباحث فرهنگی و گفتمانی را اقدام نادرست دیگری می‌دانند (رضایی و ترابی، ۱۳۸۹، ص ۶۶).

سازه‌انگاران بر این باورند که پدیده‌ها ساخته می‌شوند؛ بنابراین در اینجا، فرهنگ بسیار مهم‌تر از طبیعت است؛ درحالی‌که برای واقع‌گرایان فرهنگ و هویت در بهترین حالت محصول توزیع توانمندی‌ها است و هیچ قدرت تبیینی مستقلی ندارد و کنشگران فرهنگی را به‌مانند هر منبع دیگری صرفاً برای پیشبرد منافع شخصی خودشان در جایگاه استراتژیک قرار می‌دهند و هویت می‌بخشند (معینی علمداری و راسخی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۹).

فرهنگ اسلامی از ابتدای ظهور و گسترش در اندونزی، مؤلفه‌ای بسیار مهم در همه ابعاد فرهنگی و اجتماعی کنشگران اجتماعی اندونزی به شمار می‌رود. در دوران جدید، نقش اسلام همچنان مهم‌ترین عامل اثرگذار در مناسبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این سرزمین است. شناخت ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی جوامع مسلمان این منطقه از اهمیت بسزایی برخوردار است و به ما برای درک بهتر تحولات گوناگون این جوامع و در نتیجه برنامه ریزی دقیق‌تر برای گسترش مناسبات و تعاملات اثرگذار با این جوامع یاری می‌رساند (اسفندیار و رحمان، ۱۳۹۶، ص ۴۶).

فرهنگ و ادبیات قوم مالایی پیوند تنگاتنگی با اسلام دارد. در حقیقت فرهنگ اسلام (مشمول بر عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی ایرانی و عربی و هندی) مهم‌ترین عامل تکوین ادبیات کلاسیک مالایی بوده است. در این میان اما ادبیات مالایی بیشتر از فرهنگ و

ادبیات ایرانی - فارسی اثر گرفته است. سابقه پیوند و ارتباط میان ایران و جهان مالایی بسیار طولانی است؛ اما بیشترین تأثیر فرهنگ ایرانی بر جهان مالایی متعلق به سده‌های هفتم تا یازدهم هجری است. جلوه‌های گوناگون این تأثیرات را هنوز هم می‌توان در این منطقه دید؛ از آن جمله می‌توان به ورود کلمات فارسی به زبان و ادبیات مالایی، تأثیر اندیشه‌های عارفان مسلمان ایرانی نظیر غزالی و مولانا و جامی بر عارفان و عالمان مالایی و تأثیر تاریخ‌نگاری و قصه‌پردازی ایرانی در دوره اسلامی بر سنت ادبی و تاریخ‌نگاری مالایی اشاره کرد. به تصریح شماری از پژوهشگران، بسیاری از حکایات و داستان‌های مالایی خاستگاهی ایرانی دارند (Hamid, 1997, pp. 226-227).

در تعامل اسلام با فرهنگ بومی، فرهنگ بومیان این منطقه به خدمت اسلام درآمد و ادبیات دینی و عرفانی اسلامی که عمدتاً به خط عربی (خط جاوی) و زبان مالایی بود، نقش مهمی در گسترش اسلام ایفا کرد. نظام سنتی تعلیم و تربیت اسلامی بر بنیاد فرهنگ هندویی و بودایی شکل گرفت و مراکز آموزشی مانند پوندوک، پسترن و سوراو، کانون آموزش‌های اسلامی به نوجوانان و جوانان مالایی شد (اسفندیار، ۱۳۹۶، ص ۲۷).

اندونزی در حال حاضر در یک دوره گذار بسیار بحرانی قرار دارد که ارزش‌های مختلف فرهنگی با هم هم‌زیستی می‌کنند، درگیر می‌شوند، با هم مخلوط می‌شوند و در نهایت سازگار می‌شوند. مسلمانان اندونزی در عین تلاش برای بازتعریف هویت دینی در جستجوی یک هویت فرهنگی، متناسب با قرن بیست و یکم هستند؛ هرچند در اندونزی فرهنگ به‌عنوان یک عامل هویت‌ساز می‌تواند با ایجاد هویت‌های همگرا منجر به صلح و گسترش همکاری‌های بین کنشگران در عرصه بین‌الملل و کنشگران اجتماعی این کشور شود.

۶. قومیت‌گرایی و تأثیر آن بر هویت دینی

تکثر قومیتی یکی از شاخصه‌های بافت جمعیتی کشور اندونزی است که گاه با

گرایش‌های ناسیونالیسم قومی نیز همراه می‌شود. نبود یک هویت مشترک و فراقومیتی جهت مدیریت این تکثر قومیتی می‌تواند چالش‌های جدی را برای این کشور به وجود بیاورد؛ چراکه اندونزی پتانسیل لازم برای مناقشات فرقه‌ای و ظهور هویت‌های جدید را دارا است.

قومیت به عنوان عامل شکل‌دهنده و مقوم هویت، نقش بسزایی در تحلیل امنیت جهان اسلام دارد. هویت تعریف خود است؛ تعریفی که در آن موجود خودآگاه، به تاریخ، حافظه مشترک جمعی، جایگاه سرزمینی، فرهنگ، دین و دیگر عوامل هویت‌ساز اشاره می‌کند و خود را از دیگرانی که صاحب این خصلت‌ها نیستند متمایز می‌کند (مقی و کاظمی، ۱۳۸۶، صص ۲۱۹-۲۲۰).

بر اساس آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت که این هویت‌ها هستند که تعیین‌کننده و بنیان منافع‌اند. منافع مستقل از هویت‌ها و زمینه اجتماعی‌شان نیستند. از این رو شناختن هویت‌کنشگران، باعث کوفهمی در شناخت منافع آنان خواهد شد. آنچه در اینجا قابل توجه است، نقش قومیت به عنوان عامل هویت‌ساز دینی در بین کنشگران اجتماعی اندونزی است.

تجربه نشان داده است هویت‌های قومی انگیزه بسیار مهمی برای غیریت‌سازی است و انتظار می‌رود به مرور زمان به‌ازای هر قومیتی در اندونزی، مذهب خاص آن قوم شکل گیرد؛ برای مثال الان اسلام خلافت آنچه با اسلام در بالی و لومبوک متفاوت است و چه‌بسا در آینده اسلام جاوایی نیز خود را در این کشور بروز دهد. تا زمانی که مسلمانان اندونزی هویت قومی خود را بر هویت مذهبی خود اولویت بخشند، خطر بروز فرقه‌گرایی قومی و ظهور هویت‌های اسلامی متضاد در بین آنان وجود خواهد داشت.

در اندونزی ۶۳۳ گروه قومی شناخته‌شده وجود دارد (Sri Hastuti and others, 2017, p. 9). براساس طبقه‌بندی قومی، بزرگ‌ترین گروه قومی اندونزی جاوایی‌ها هستند که حدود چهل درصد از کل جمعیت را تشکیل می‌دهند. جاوه‌ای‌ها در جزیره جاوا متمرکز شده‌اند؛ اما میلیون‌ها نفر به جزایر دیگر در سراسر مجمع‌الجزایر مهاجرت کرده‌اند. بعد

از هویت جاوه‌ای قومیت‌های سوندا،^۱ باتاک،^۲ مادورس،^۳ مینانگ کابائو^۴ و بوگیایی^۵ بزرگترین گروه‌های قومیتی این کشورند.

براساس شواهد تاریخی تاجران مسلمان و مهاجران عرب و ایرانی، اسلام را در مجمع‌الجزایر اندونزی گسترش دادند و با فراگرفتن آداب و رسوم و عرف و عادات اندونزیایی‌ها توانستند روابط خود را گسترش دهند و تمام عقل و هوش و تمدن اسلامی را در خدمت اشاعه دینشان به کار گیرند (حسینی جلی، ۱۳۹۰، صص ۶۶-۶۵).

آنچه این اقوام پراکنده و گاه متفاوت را به صورت ملّتی یکپارچه درمی‌آورد و هویتی متفاوت از هویت قومی اقوام را تشکیل می‌دهد. اگر عامل این همبستگی ملیت و ملی‌گرایی باشد، چنین هویتی را «هویت ملّی» و چنانچه عامل همبستگی اسلام باشد، هویت مشترک را «هویت دینی» می‌نامند. هویت ملی شرایطی است که در آن انبوهی از مردم خود را با نمادهای ملی تعریف کرده و بازشناخته‌اند (Bloom, 1990, p. 52). حال اگر هویت ملی اندونزی را براساس اصول پانچاسیلا در نظر بگیریم، هویت دینی و هویت ملی با هم هم‌پوشانی پیدا می‌کنند و مجموعاً عامل همبستگی اقوام این کشور می‌شوند.

۷. هویت دینی در اندونزی

در اندونزی شش دین وجود دارد. اسلام، پروتستانیسیم، کاتولیک، هندوئیسم، بودیسم و کنفوسیسم ادیان رسمی این کشورند. اسلام رایج‌ترین دین در اندونزی است که در قرن بیستم نقش عمده‌ای در جنبش استقلال داشت. جمعیت دیگر ادیان در مقایسه با جمعیت مسلمانان اندک‌اند و غیرتأثیرگذار؛ چراکه براساس آمارهای رسمی از سال

-
1. Sundanese.
 2. Batak.
 3. Madurese.
 4. Minangkabau.
 5. Buginese.

۱۹۷۰ تاکنون درصد پیروان ادیان غیراسلامی در اندونزی تقریباً ثابت یا دارای تغییرات

اندک بوده است (Badan Pusat Statistik, sp2010.bps.go.id).

به طور کلی عدم موفقیت و شکست در بسیاری از عرصه‌های مهم زندگی، پیروان ادیان کهن را به شک می‌انداخت که آیا از آیینی صحیح پیروی کرده‌اند یا خیر؛ سپس شک آنان فراتر می‌رفت و در مورد الوهیت و توانایی خدایی که پرستش می‌کردند، دچار تردید می‌شدند (Kicza, 2003, p. 13).

با ورود اسلام به مجمع‌الجزایر اندونزی، مبلغان مسلمان سعی کردند بسیاری از آداب و آیین‌های قبلی را از میان بردارند. بیشتر مردم این منطقه نیز که از دین قبلی و آیین‌های خرافی آن سابقه و ذهنیت خوبی نداشتند، رفته‌رفته اسلام را جایگزین عقاید قبلی خود کردند؛ افزون بر اینکه در آیین‌های پیشین نیز علی‌رغم اعتقاد به ارباب انواع، اعتقاد به خدای فرامادی و قدرتمند نیز وجود داشت و این مسئله زمینه پذیرش ادیان آسمانی را در میان اقوام این منطقه مساعد کرد. دردسترس بودن و مقبولیت گفتمان اسلام در اندونزی توانست هویت بیشتر مردم این کشور را طی قرن‌ها تعریف و بازتعریف کند.

در دیدگاه سازه‌انگارانه، دین و بازیگران دینی از طریق تأثیرگذاری و شکل‌دهی به ارزش‌ها و معانی قوام‌بخش، بر هویت و عملکرد سیاستمداران تأثیر می‌گذارند. همچنین هنجارهای دینی از طریق تأثیر بر هویت جوامع انسانی، بر رفتارهای کارگزار دولتی تأثیر می‌گذارد و از این طریق ساختار را از خود متأثر می‌کند. در سطح ساختاری نیز دین به‌مثابه بخشی از ساختارهای هنجاری و ارزشی به بازتولید و معناسازی مبادرت می‌کند و از آن طریق بر رفتار کارگزار دولتی تأثیر می‌گذارد. عنصر دین و مذهب توانایی آن را دارد تا به‌عنوان عاملی مهم در شکل‌دهی به جهان‌بینی و نگرش دولتمردان و سیاستمداران و در نتیجه تکوین هویتی آنان ایفای نقش کند، و در تغییر رویکرد سازمانی آنان در تعریف هویت و منافع کارگزاران دولتی مؤثر باشد و به این ترتیب جهت‌گیری‌های دولتی در عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل را متأثر از خود کند و باعث تغییر در کنشگری دولت‌ها گردد که پیامد این امر تغییرات ساختاری است؛ البته تأثیر هویت دینی دولتمردان بر رفتار و عملکرد

دولت‌ها در جوامع دینی‌تر که دین آمیختگی بیشتری با فرهنگ و زندگی افراد دارد، گسترده‌تر است (سلیمی و ربانی، ۱۳۹۲، صص ۱۲-۱۳).

مذاهب در اندونزی به جای آنکه در سطح ملی توسعه یابند، به‌صورت جزیره‌ای و منطقه‌ای گسترش یافته‌اند. این به این دلیل است که اندونزی تا سال ۱۹۴۹ یک اندیشه و آرمان یکپارچه و مستقل نداشته است. مناطق این کشور از جمله جاوا، سوماترا، بالی، لمبوک و غیره، همگی دارای تاریخ‌های مذهبی مشابه اما متمایزند. شعار ملی اندونزی، «وحدت در عین تنوع»، بازتاب تفاوت‌های دین و فرهنگ در نقاط مختلف این کشور است.

اندونزی بزرگ‌ترین جمعیت مسلمان جهان را در خود جای داده است و بیش از ۸۷ درصد جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند. بعد از اسلام اقلیت مسیحی پروتستان قرار می‌گیرد که تقریباً دو برابر کاتولیک‌ها در این کشورند. در جزیره بالی هم هنوز از نوعی از هندوئیسم پیروی می‌شود (Frederick and Worden, 2011, chapter Islam).

براساس آمارهای رسمی در دهه‌های گذشته، از سال ۱۹۷۰ تاکنون درصد پیروان ادیان در این کشور تقریباً ثابت یا دارای تغییرات اندکی بوده‌اند (Suryadinata and others, 2003: pp. 103-104). جدول زیر تغییرات جمعیت ادیان مختلف در اندونزی از سال ۱۹۹۰ تاکنون را نشان می‌دهد (Badan Pusat Statistik, sp2010.bps.go.id)

سال		۱۹۹۰		۲۰۰۰		۲۰۰۵		۲۰۱۰	
میزان ملیت	جمعیت	درصد	جمعیت	درصد	جمعیت	درصد	جمعیت	درصد	جمعیت
پروتستان	۱۰.۸۲	%۶.۰۴	۱۱.۸۲	%۵.۸۷	۱۲.۳۶	%۵.۷۹	۱۶.۵۳	%۶.۹۶	
کاتولیک	۶.۴۱	%۳.۵۸	۶.۱۳	%۳.۰۵	۶.۵۶	%۳.۰۷	۶.۹۱	%۲.۹۱	
هندو	۳.۲۹	%۱.۸۳	۳.۶۵	%۱.۸۱	۳.۷۰	%۱.۷۳	۴.۰۱	%۱.۶۹	

کمرنگ شدن مرزهای حاکمیتی دولت - ملت به عنوان عامل هویت در دهه‌های اخیر نیز از جمله دلایلی است که به ارتقای جایگاه دین به عنوان منبع هویتی منجر گردیده است و عناصر دین و مذهب در راستای پر کردن این خلأ هویتی به کار رفته است؛ البته در برخی موارد پیوند ملت گرایی با دین و آیینی خاص، شکل دهنده به ناسیونالیسم دینی شده که به عنوان نیروی محرکه مهمی در تحولات جهانی عمل کرده است، به گونه‌ای که به تدریج ناسیونالیسم ملی جای خود را به نوعی ناسیونالیسم دینی داده است (سلیمی و ربانی، ۱۳۹۲، ص ۱۴).

هویت دینی در اندونزی در چند دهه اخیر درگیر شکل دادن به چشم انداز ایدئولوژیک سیاست این کشور بوده است. اندونزی در دوره نظم قدیم، به ویژه در دهه ۵۰، از نظر ایدئولوژیک متنوع تر از دوران اصلاحات سوهارتو بود. این دوره سیاسی شاهد نبرد طولانی ایدئولوژی کمونیستی خود و جنبش‌های اسلامی بود. در این دوره بسیاری از احزاب اسلامی برای مخالفت با ایدئولوژی کمونیسم و دیگر احزاب سکولار در این ملت تلاش کردند اسلام را به ایدئولوژی دولت تبدیل کنند (Anjarwati, 2018, pp. 99-100).

اسلام در اندونزی متنوع است و بیشترین پیرو (یعنی تقریباً ۲۲۵ میلیون نفر) را به خود اختصاص داده است. از میان این تعداد، حدود ۹۹ درصد اهل سنت و حدود یک درصد شیعه هستند. همچنین فرقه نو ظهور احمدیه تاکنون توانسته است حدود چهارصد هزار مسلمان این کشور را به خود جذب کند (United States Department of State, 2020).

اسلام اندونزی با اسلام ایران یا عربستان سعودی متفاوت است. اسلام حکومتی و حداکثری هنوز بین بیشتر مسلمانان عادی اندونزی مقبولیت ندارد. مسلمانان سنتی اندونزی به جای اتخاذ «الدین و الدوله» برای سیستم سیاسی خود، ترجیح می‌دهند سیستم سیاسی بر مبنای پانچاسیلا داشته باشند. اسلام سنتی اندونزی به طور نسبتاً مسالمت آمیز با دموکراسی و تمدن جدید سازگار شده است (Hasyim, 2013, p. 13).

عده‌ای تاریخ نفوذ اسلام را در این سرزمین سال ۴۹۴ هجری قمری مطابق با ۱۱۰۰ میلادی می‌دانند (حسینی جلی، ۱۳۹۰، صص ۶۶-۶۵). فرایند اسلامی سازی در منطقه آسیای

جنوب شرقی از قرن یازدهم تا شانزدهم میلادی ادامه داشته و سه عامل بازرگانان و تجار، داعیان و مبلغان خارجی که عمدتاً صوفی مسلک بودند و خود بومیان مسلمان‌شده منطقه در آن نقش داشته‌اند. حاکمان عمدتاً در پذیرش اسلام پیش قدم بودند و به دنبال آن، دیگر طبقات اجتماعی به اسلام روی می‌آوردند (بارانی و ربانی، ۱۳۹۴، صص ۲۴۹-۲۴۸).

بیشتر مسلمانان جنوب شرق آسیا سنی مذهب‌اند که اغلب آنان به لحاظ الهیات، جزو مکتب اشاعره‌اند. دیدگاه اشعری را می‌توان جریان غالب در الهیات اهل تسنن دانست. درخصوص فقه اسلامی و مسائل عبادی بیشتر مسلمانان سنی جنوب شرق آسیا پیرو مکتب شافعی‌اند (مارکینوسکی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۷). اسلام در اندونزی به دو بخش مشخص تقسیم شده است: یکی اسلامی که مسلمانان ساتتری یا متعصب و مؤمن به آن معتقدند و دیگری اسلامی که مسلمانان آبانگان یا صوری و اسمی مدعی آن هستند. ساتتری‌ها به لحاظ اعتقادی شدیداً به ارکان پنج‌گانه اسلام و شریعت از دیگران ممتازند؛ درحالی که مسلمانان آبانگان طرفدار آمیزه‌ای از آیین‌ها، شعایر و مراسم روح‌گرایانه هندو و اسلامی‌اند (حسینی جلی، ۱۳۸۸، ص ۱۱).

به‌طور کلی مردم اندونزی از ده‌ها سال قبل از انقلاب اسلامی ایران سنت‌ها و آموزه‌های شیعه را می‌شناختند؛ باین حال تا آن زمان، شیعه هرگز بخشی از هویت ظاهری مسلمانان اندونزی را تشکیل نمی‌داد؛ اگرچه حتی از نظر تاریخی، شیعه در اندونزی از زمان ورود اسلام به این کشور وجود داشته است. بسیاری از محققان و مورخان به این مسئله اشاره کرده‌اند که شیعه همراه با ورود اسلام به مجمع‌الجزایر اندونزی عمدتاً از طریق تجار و مبلغان مذهبی که از ایران، یمن و حجاز به این کشور مهاجرت می‌کردند، وارد شد. این افراد در اندونزی با عنوان «ولی سونگو»^۱ یا «اولیای نه‌گانه» شناخته شده هستند؛ ولی سونگو مهم‌ترین سهم در تشکیل هویت اسلامی در اندونزی را دارد. حقایق تاریخی نشان می‌دهد اسلام پس از تبلیغی که مبلغان ولی سونگو انجام دادند، به سرعت رشد کرد و الهام‌بخش توسعه

1. Wali Songo.

اسلام نوسانتارا^۱ شد. ایده اسلام نوسانتارا از روح اسلام ولی سونگو ناشی شده و ریشه در تفکرات شیعی، تصوف و اهل سنت شافعی دارد. نکته قابل توجه این است که از این نه نفر هفت نفر آنان ایرانی و از علمای کاشان و همدان و سمرقند بوده‌اند (Fournié, 2109, p. 78-80)؛ اما ظهور اسلام در اندونزی در مقطعی از تاریخ بود که شیعه ناچار به تقیه بود؛ پس هویت اسلام نوسانتارا در اندونزی تحت عنوان اهل سنت و جماعت و در قالب مذهب شافعی گسترش یافت.

شناخت فرمول اسلام نوسانتارا برای تجزیه و تحلیل هویت اسلامی در اندونزی، با استفاده از فرایند سازگاری بسیار مهم است. هویت اسلام نوسانتارا با ترکیبی از سه مؤلفه کلام، فقه و تصوف، هویتی دینی را ایجاد کرده است که از عصر سلاطین تا به امروز در این کشور تثبیت و در کنار هویت ملی این کشور استقرار یافته است. مفهوم اسلام نوسانتارا به یک اعتدال‌گرایی اسلامی اشاره دارد که نه تنها بنیادگرایی، رادیکالیسم بلکه حتی سکولاریسم و لیبرالیسم را نیز رد می‌کند (Schlehe, 2016, p. 1)؛ بر همین اساس که طی سال‌ها در این کشور، هویت شیعه به دلیل شرایط خاص آن زمان، یعنی تقیه و در دسترس نبودن، ظهور و بروز پیدا نکرده بود تا اینکه در دوران معاصر و همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جنبش اسلامی در ایران، نخبگان و دانشجویان و حتی عوام اندونزیایی را تحت تأثیر قرار داد. از انقلاب اسلامی ایران نه به عنوان جنبشی شیعی، بلکه به عنوان جنبش دینی روشنفکرانه در اندونزی استقبال شد و از آن زمان هویت‌ها، گرایش‌ها، گروه‌ها و مؤسسات شیعه در اندونزی ظهور یافتند.

پیامدهای انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ با آرمان صادرات اسلام انقلابی به دیگر کشورهای خاورمیانه و مناطق همسایه مسلمان همراه شد. از همان ابتدا، بسیاری از اسلام‌گرایان سنی‌مذهب از انقلاب ایران استقبال کردند؛ اگرچه ممکن بود برخی این افراد به اصل اسلام شیعه مشکوک باشند. آنان ایران را به عنوان متحد بالقوه در برابر رژیم‌های سرکوبگر می‌دیدند. ماهیت «اسلامی» انقلاب اسلامی بر هر

1. Islam Nusantara.

فرقه‌گرایی برتری داشت؛ پس با اسلام‌گرایان اهل سنت مشترکات زیادی داشت (Mandaville and Hamid, 2018, p. 15).

در دسترس قرار گرفتن گفتمان شیعه در اندونزی با بروز چالش‌های هویتی در این کشور هم‌زمان بود؛ چالش‌هایی که ناشی از افزایش سطح آگاهی و تلاش مسلمانان این کشور برای تثبیت هویت عمیق‌تر دینی بود؛ البته این نکته را باید در نظر گرفت که هویت شیعه در اندونزی به دو دسته تقسیم می‌شود: شیعه سیاسی و شیعه فرهنگی. شیعه فرهنگی هویت سطحی و ظاهری شیعه است که به‌نحوی با هویت پیشین مسلمانان اندونزی سازگاری یافته است؛ برای مثال، درصد قابل توجهی از شیعیان اندونزی تشیع را صرفاً مکتبی روشنفکرانه در پیروی از اخلاق و آموزه‌های ائمه 7 می‌دانند و در عین حال در حوزه فقهی هنوز تابع یکی از مذاهب چهارگانه اهل سنت (شافعی) هستند؛ اما شیعه سیاسی دارای هویتی عمیق‌تر و متباین با هویت‌های سطحی اسلامی در اندونزی است، تا حدی که اسلام را در هسته مفصل‌بندی‌های خود، به دنبال ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی قرار می‌دهد.

نتیجه‌گیری

نگاه نظری سازه‌انگارانه به مؤلفه هویت در اندونزی در پاسخ به این سؤال که کدام مؤلفه در جامعه اندونزی سازنده هویت دینی آنان بوده است، ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که رهیافت سازه‌انگاری نسبت به رهیافت‌های عقل‌گرایی بسیار هستی‌شناسانه است و می‌تواند مبنای مناسبی برای فهم هستی‌شناسی اجتماعی، هویت ملی و اهداف مشترک باشد. با استفاده از سازه‌انگاری می‌توان مسئله بازتعریف هویت کنشگران اجتماعی اندونزی را در شرایط حاضر تحلیل کرد که در بین کنشگران اجتماعی اندونزی، احساس تعلق به ملیتی واحد و تمایلات مذهبی، تأثیر بیشتری بر شکل‌گیری هویت آنان داشته است.

مردم اندونزی با وجود تفاوت‌های قومی و ریشه‌های مختلف تاریخی خود طی قرن‌های متمادی، در نهایت به‌عنوان یک ملت، تحت هویت اندونزیایی گرد هم

آمده‌اند؛ هویتی که مبتنی بر پانچاسیلا و آمیزه‌ای از دین اسلام و ملیت اندونزیایی است. مؤلفه هویت با پوشش اسلام توانست مردم هزاران جزیره اندونزی و صدها گروه قومی آن را به‌عنوان یک ملت درآورد و به استقلال برساند و هویت ملی آنان را شکل دهد. هویت ملی شرایطی است که در آن انبوهی از مردم خود را به‌وسیله نمادهای ملی تعریف کرده و بازشناخته‌اند (Bloom, 1990, p. 52). عنصر دین را می‌توان پایه اصلی هویت ملی در اندونزی دانست؛ چراکه دین مشترک عامل مهمی در شکل‌دهی به هویت ملی است (علیخانی، ۱۳۸۶، صص ۱۵۶-۱۵۵).

اسلام و هویت ملی ارتباط تنگاتنگی با ناسیونالیسم اندونزی دارد. قبل از تأسیس پادشاهی اسلامی در مجمع‌الجزایر اندونزی، از اسلام استقبال شد و پس از آن، اسلام به عامل مهمی در تعیین ساختار سیاست، ایدئولوژی و قدرت تبدیل شد. اینجا است که اهمیت هویت دینی در اندونزی مشخص می‌شود؛ چراکه تأثیر اسلام در شکل‌دهی به هویت جدید کنشگران اجتماعی اندونزی، سبب شد که گروه‌های قومی در جوامع پراکنده این کشور قادر به تحقق فرایند دولت-ملت‌سازی در این سرزمین باشند.

در دوران معاصر، مسلمانان اندونزیایی به جنبش‌های اجتماعی-مذهبی روی آوردند و این نشان‌دهنده مفهوم جدیدی از هویت ملی در این کشور بر مبنای ملی‌گرایی مذهبی است. مسلمانان برای دستیابی به اهداف بلندمدت خود در این راستا سازمان‌های ملی-مذهبی جدیدی را به وجود آوردند که برای مثال می‌توان به شاخص‌ترین آنان همچون نهضت العلماء و محمدیه اشاره کرد.

ایجاد جو جدید، نهادهای جدید و تغییر شرایط سیاسی در اندونزی، اسلام را به‌عنوان نیرویی برای رشد سیاسی جامعه اندونزی مطرح کرد. اسلام تأثیرات خاص خود را بر ناسیونالیسم اندونزی گذاشته است و به اصلی‌ترین عامل حرکت و بخش اساسی دائمی آن تبدیل شده است (Alfian, 1969, p. 56).

تحلیل سازه‌انگاران در مورد هویت کنشگران اجتماعی اندونزی نشان می‌دهد در دوران جدید هنجارهای برگرفته از پانچاسیلا به‌ویژه اصل توحید در عبودیت و همچنین اصل وحدت اندونزی، سازنده هویت آنان بوده‌اند که می‌توانند در اولویت‌های سیاسی

این جامعه تأثیرگذار باشند. هویت جدید اندونزی در دوران معاصر براساس پانچاسیلا (که مجموعه‌ای از هنجارها و آرمان‌ها براساس اسلام و ملی‌گرایی است) عامل و مرجع اصلی برای تقویت هویت کنشگران اجتماعی این کشور و ادغام جوامع مختلف این ملت بوده است.

بنابراینچه گفته شد قرائت اعتدالی از اسلام که درحقیقت تلفیقی از اسلام و ملی‌گرایی در اندونزی است، در کشمکش با دیگر مؤلفه‌های هویت‌ساز، توانست به یک مدل بومی از برداشت‌های دینی و متناسب با اندیشه‌های فرهنگی مالایوتبار نزدیک شود و کنشگران اجتماعی اندونزی را هویت دینی بخشد. هویت اسلامی در این نگرش جدید تلاش کرد در استفاده از تمامی منابع اسلامی فعال گردد و مسلمانان اندونزی را با وجود تفاوت‌های قومی - مذهبی به وحدت فرهنگی اجتماعی برساند و نگاه‌های افراط‌گرایانه را بزدايد و به تثبیت هویت دینی مسلمانان اندونزی کمک کند.



کتابنامه

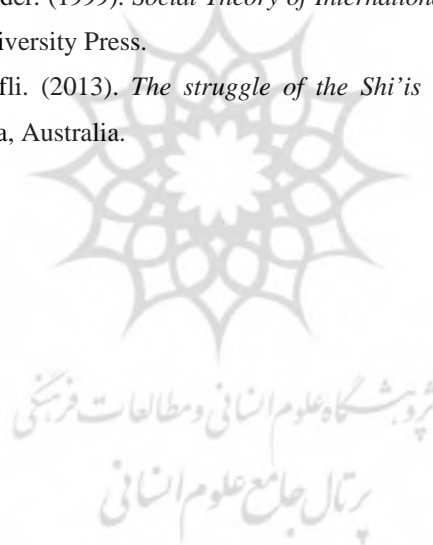
۱. اسفندیار، محمودرضا؛ رحمان، فائزه. (۱۳۹۶). جریان‌های سنتی اصلاح‌طلبی و روشنفکری دینی در میان مسلمانان اندونزی. فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشگاه تاریخ اسلام. ۷(۲۶)، صص ۴۵ - ۵۸.
۲. بارانی، محمدرضا؛ ربانی، محمدعلی. (۱۳۹۴). بررسی نقش تشیع در ورود و گسترش اسلام به آسیای جنوب شرقی. فصلنامه شیعه‌شناسی. ۱۳(۵۰)، صص ۲۴۵ - ۲۷۴.
۳. باقری دولت‌آبادی، علی. (۱۳۹۳). از هاشمی تا روحانی: بررسی سیاست خارجی ایران در پرتو نظریه سازه‌نگاری. تهران: تیسرا.
۴. پوراحمدی، حسین. (۱۳۸۹). قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۵. حسینی جلی، سیدمیر صالح. (۱۳۸۸). درآمدی به منطقه جزایر اندونزی. مجله پژوهش‌های منطقه‌ای. (۱)، صص ۹ - ۳۰.
۶. حسینی جلی، سیدمیر صالح. (۱۳۹۰). جنبش‌های اسلامی در اندونزی. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۷. رضایی، علیرضا؛ ترابی، قاسم. (۱۳۸۹). تبیین جایگاه فرهنگ در نظریه‌های سیاست و روابط بین‌الملل (فرهنگ به‌عنوان عرصه‌ای برای تعامل یا تقابل). فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. (۱۳)، صص ۵۳ - ۸۲.
۸. سلیمی، حسین؛ ربانی، ضحی. (۱۳۹۲). دیباچه‌ای بر نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری دین در ساختار نظام بین‌الملل از منظر رویکرد سازه‌نگاری. فصلنامه مطالعات سیاسی. (۲۰)، صص ۱ - ۲۸.
۹. علیخانی، علی‌اکبر. (۱۳۸۶). هویت و بحران هویت. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۰. مارکینوسکی، کریستوف. (۱۳۸۸). جلوه‌های اسلام شیعی در جنوب شرق آسیا (اول)، تایلند و اندونزی. قم: پژوهش‌های منطقه‌ای، (۱)، صص ۱۰۵ - ۱۱۸.
۱۱. متقی، ابراهیم؛ کاظمی، حجت. (۱۳۸۶). سازه‌نگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه سیاست. ۳۷(۴)، صص ۲۰۹ - ۲۳۸.

۱۲. معینی علمداری، جهانگیر؛ راسخی، عبدالله. (۱۳۸۹). روش‌شناسی سازه‌انگاری در حوزه روابط بین‌الملل. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی. شهرضا: دانشگاه آزاد اسلامی. (۴)، صص ۲۰۹-۲۳۸.

13. Alfian. (1969). *Islamic Modernism in Indonesian Politics: The Muhammadiyah Movement during the Dutch Colonial Period 1912-1942*. (Unpublished Ph.D. Dissertation). University of Wisconsin.
14. Anjarwati, E. (2018). The emergence of religious nationalism: Facing the challenges of pluralism in Indonesia. Lisbon, *Journal of Human Rights and Peace Studies*. pp. 93-128.
15. Badan Pusat Statistik The Constitution of the Republic of Indonesia of 1945. Chapter XI Religion, Article 29. from: <http://www.unesco.org/education/edurights/media/docs/b1ba8608010ce0c48966911957392ea8cda405d8.pdf>. Retrieved 3 November 2019
16. Badan Pusat Statistik. Penduduk Menurut Wilayah dan Agama yang Dianut. Population by Region and Religion (in Indonesian). Jakarta, Indonesia: Badan Pusat Statistik. 15 May 2010. Retrieved from: <https://sp2010.bps.go.id/index.php/site/tabel?tid=321>, accessed 10 dec 2019
17. Bloom. William (1990). *Personal Identity, National Identity, and International Relation*. Cambridge: Cambridge University Press.
18. Bukhari, Farah Mirza. (2013). Ujn Observer Mission to Indonesia: Investigating Claims of Sectarianism. *Islamic Human Rights Commission*, UK.
19. Darmaputera, Eka. (1998). *Pancasila and the Search for Identity and Modernity in Indonesian Society: A Cultural and Ethical Analysis*. BRILL: Political Science.
20. Eklöf, Stefan. (1999). *Indonesian Politics in Crisis The Long Fall of Suharto*. Copenhagen: Nordic Institute of Asian Studies (NIAS).
21. Fournié. Pierre. (2019) Rediscovering the Walisongo, Indonesia: A potential new destination for international pilgrimage. *International Journal of Religious Tourism and Pilgrimage*. 7(4), Article 10, pp. 77-86.

22. Frederick, William H and Robert L Worden. (2011). *Indonesia: A Country Study* (6th ed.). Washington, DC: Library of Congress, Federal Research Division.
23. Fuad, A.B. Barrul. (2014). Political Identity and Election in Indonesian Democracy: A Case Study in Karang Pandan Village –Malang. Indonesia. *4th International Conference on Sustainable Future for Human Security, Procedia Environmental Sciences*, No 20, pp. 477-485.
24. Hamid, Ismail. (1997). *Kitab Jawi: Intellectualizing Literary Tradition: Islamic Civilization in the Malay World* (Ed. By Mohd. Taib Osman). Dewan Bahasa dan Pustaka, Kuala Lumpur and Istanbul.
25. Hasyim, Syafiq. (2013). *State and Religion: Considering Indonesian Islam as a Model of Democratization for the Muslim World*. Berlin: Friedrich Naumann-Stiftung für die Freiheit.
26. Hermansyah, Hermansyah. (2014). Islam and Local Culture in Indonesia. *al-Albab Borneo Journal of Religious Studies (BJRS)*, 3(1), pp. 55-66.
27. <https://sp2010.bps.go.id/index.php/site/tabel?tid=321>, accessed 10 dec 2019
28. <https://www.refworld.org/docid/4cf2d09264.html> (accessed 14 January 2020)
29. Kicza, John E. (2003). *Resilient Cultures: America's Native Peoples Confront European Colonization 1500-1800*. New Jersey: Prentice Hall (Pearson).
30. Laksmana, Evan A. (2011). The enduring strategic trinity: explaining Indonesia's geopolitical architecture. *Journal of the Indian Ocean Region*, 7(1), pp. 95-116.
31. Mandaville, Peter; Shadi Hamid. (2018). *Islam as Statecraft: How Governments Use Religion in Foreign Policy*. Washington DC: The Brookings Institution.
32. Na'im, Akhsan. (2010). *Kewarganegaraan, Suku Bangsa, Agama dan Bahasa Sehari-hari Penduduk Indonesia*, Subdirektorat Publikasi dan Kompilasi Statistik, Badan Pusat Statistik, Jakarta-Indonesia.
33. Schlehe, Judith. (2016). The Meanings of Moderate Islam in Indonesia: Alignments and Dealignments of Azharites. *Southeast Asian Studies at the University of Freiburg*, (31), pp. 1-12.

34. Sri Hastuti, Maria Margaretha; Ag Krisna Indah. Marheni. (2017). Kompetensi Konseling Multikultur Bagi Konselor Sekolah. *Suatu Kajian Teoretis*. Proceeding Seminar Dan Lokakarya Nasional Bimbingan Dan Konseling, vol 1, Malang, Jawa Timur, Indonesia, pp. 93-109.
35. Suryadinata, Leo; Evi Nurvidya Arifin; Aris Ananta. (2003). *Indonesia's population: ethnicity and religion in a changing political landscape*. Indonesia's population, Singapore: Institute of Southeast Asian Studies.
36. The constitution of the Republic of Indonesia, 1945.
37. United States Department of State. *2010 Report on International Religious Freedom - Indonesia*. 17 November 2010, from: <https://www.refworld.org/docid/4cf2d09264.html> (accessed 14 January 2020)
38. Wendt, Alexander. (1999). *Social Theory of International Politics*. Cambridge: Cambridge University Press.
39. Zulkifli, Zulkifli. (2013). *The struggle of the Shi'is in Indonesia*. ANU E Press: Canberra, Australia.



References

1. Akhsan, N. (2010). *Kewarganegaraan, Suku Bangsa, Agama dan Bahasa Sehari-hari Penduduk Indonesia*, Subdirektorat Publikasi dan Kompilasi Statistik, Badan Pusat Statistik, Jakarta-Indonesia.
2. Alfian. (1969). *Islamic Modernism in Indonesian Politics: The Muhammadiyah Movement during the Dutch Colonial Period 1912-1942*. (Unpublished Ph.D. Dissertation). University of Wisconsin.
3. Alikhani, A. A. (2007). *Identity and identity crisis*. Tehran: University Jihad. [In Persian]
4. Anjarwati, E. (2018). The emergence of religious nationalism: Facing the challenges of pluralism in Indonesia. Lisbon, *Journal of Human Rights and Peace Studies*, pp. 93-128.
5. Badan Pusat Statistik *The Constitution of the Republic of Indonesia of 1945*. Chapter XI Religion, Article 29. From: <http://www.unesco.org/education/edurights/media/docs/b1ba8608010ce0c48966911957392ea8cda405d8.pdf>. Retrieved 3 November 2019
6. Badan Statistical Wells. *Penduduk Menurut Wilayah dan Agama yang Dianut. Population by Region and Religion (in Indonesian)*. Jakarta, Indonesia: Badan Statistical Status. 15 May 2010. Retrieved from:
7. Bagheri Dolatabadi, A. (2014). *From Hashemi to Rouhani: A Study of Iran's Foreign Policy in the Light of Constructivist Theory*. Tehran: Tisa. [In Persian]
8. Barani, M. R., & Rabbani. M. A. (2015). Examining the role of Shiism in the entry and spread of Islam in Southeast Asia. *Journal of Shiite Studies*. 13(50), pp.245-274. [In Persian]
9. Bloom. W. (1990). *Personal Identity, National Identity, and International Relation*. Cambridge: Cambridge University Press.
10. Bukhari, F. (2013). Ujn Observer Mission to Indonesia: Investigating Claims of Sectarianism. *Islamic Human Rights Commission*, UK.
11. Darmaputera, E. (1998). *Pancasila and the Search for Identity and Modernity in the Indonesian Society: A Cultural and Ethical Analysis*. BRILL: Political Science.

12. Eklöf, S. (1999). *Indonesian Politics in Crisis the Long Fall of Suharto*. Copenhagen: Nordic Institute of Asian Studies (NIAS).
13. Esfandiari, M. R., & Rahman, F. (2017). Traditional reformist currents and religious intellectuals among Indonesian Muslims. *Journal of Research Institute of Islamic History*. 7(26), pp. 45 - 58. [In Persian]
14. Fournié, P. (2019) Rediscovering the Walisongo, Indonesia: A potential new destination for international pilgrimage. *International Journal of Religious Tourism and Pilgrimage*. 7(4), pp. 77-86.
15. Fuad, A.B. Barrul. (2014). Political Identity and Election in Indonesian Democracy: A Case Study in Karang Pandan Village –Malang. Indonesia. *4th International Conference on Sustainable Future for Human Security, Procedure Environmental Sciences*, (20), pp. 477-485.
16. Hastuti, S., & Margaretha, M. & Ag Krisna Indah, M. (2017). Kompetensi Konseling Multikultur Bagi Konselor Sekolah. *Suatu Kajian Teoretis*. Proceeding Seminar Dan Lokakarya Nasional Bimbingan Dan Konseling (Vol 1). Malang, Jawa Timur, Indonesia, pp. 93-109.
17. Hasyim, S. (2013). *State and Religion: Considering Indonesian Islam as a model of democratization for the Muslim world*. Berlin: Friedrich-Naumann-Stiftung für die Freiheit.
18. Hermansyah, H. (2014). Islam and Local Culture in Indonesia. *al-Albab Borneo Journal of Religious Studies (BJRS)*, 3(1), pp. 55-66.
19. Hosseini Jebeli, M. (2009). An Introduction to the Indonesian Islands. *Journal of Regional Studies*. No. 1, pp. 30-30. [In Persian]
20. Hosseini Jebeli, M. (2011). Islamic movements in Indonesia. Qom: Bustan Kitab Institute. [In Persian]
21. <https://sp2010.bps.go.id/index.php/site/tabel?tid=321>, accessed 10 dec 2019
22. <https://www.refworld.org/docid/4cf2d09264.html> (accessed 14 January 2020)
23. Ismail, H. (1997). *Kitab Jawi: Intellectualizing Literary Tradition: Islamic Civilization in the Malay World* (Osman, M. T. Ed.). Dewan Bahasa and Pustaka, Kuala Lumpur and Istanbul.

24. Kicza, J. E. (2003). *Resilient Cultures: America's Native Peoples Confront European Colonization 1500-1800*. New Jersey: Prentice Hall (Pearson).
25. Laksmana, E. A. (2011). The enduring strategic trinity: explaining Indonesia's geopolitical architecture. *Journal of the Indian Ocean Region*, 7(1), pp. 95-116.
26. Mandaville, P., & Shadi, H. (2018). *Islam as Statecraft: How Governments Use Religion in Foreign Policy*. Washington DC: The Brookings Institution.
27. Markinowski, K. (2009). *Effects of Shiite Islam in Southeast Asia, Thailand and Indonesia*. Qom: Regional research. [In Persian]
28. Moeini Alamdari, J., & Rasekhi, A. (2010). Methodology of structuralism in the field of international relations. *Journal of Political and International Research*, (4), pp. 209-238. [In Persian]
29. Mottaqi, E., & Kazemi, H. (2007). Structuralism, Identity, Language and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Politics*. 37(4), pp. 209-238. [In Persian]
30. Pourahmadi, H. (2010). *Soft power and foreign policy of the Islamic Republic of Iran*. Qom: Bustan Kitab Institute. [In Persian]
31. Rezaei, A., & Torabi, Q. (2010). Explanation of the place of culture in theories of politics and international relations (culture as an arena for interaction or confrontation). *Journal of Political Science*. (13), pp. 53-82. [In Persian]
32. Salimi, H., & Rabbani, Z. (2013). An Introduction to the Role of Religion and the Influence of Religion on the Structure of the International System from the Perspective of the Structuralist Approach. *Journal of Political Studies*, (20), pp. 1-28. [In Persian]
33. Schlehe, J. (2016). The Meanings of Moderate Islam in Indonesia: Alignments and Dealignments of Azharites. *Southeast Asian Studies at the University of Freiburg*, (31), pp. 1-12.
34. Suryadinata, L., & Arifin, E. V., & Ananta, A. (2003). *Indonesia's population: ethnicity and religion in a changing political landscape*. *Indonesia's population*, Singapore: Institute of Southeast Asian Studies.
35. The constitution of the Republic of Indonesia, 1945.

36. United States Department of State. *2010 Report on International Religious Freedom - Indonesia*. 17 November 2010, from:
37. Wendt, A. (1999). *Social Theory of International Politics*. Cambridge: Cambridge University Press.
38. William, F., & Worden, R. (2011). *Indonesia: A Country Study* (6th ed.). Washington, DC: Library of Congress, Federal Research Division.
39. Zulkifli, Z. (2013). *The struggle of the Shi'is in Indonesia*. ANU E Press: Canberra, Australia.

